

## نگاهی به مقاتل حسین بن علی (ع) و ترکیب بند محتشم کاشانی

فریدون کوره ئی<sup>۱</sup>

دکتر عباس ماهیار<sup>۲</sup>

### چکیده

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است توجه ویژه ی شاهان صفوی و افراط در شیعه گری و عدم توجه به شعر مدحی، شعر آیینی، خصوصاً شعر عاشورایی رشد فراوانی یافت و شاعران فراوانی در این عرصه پای نهادند و قالب "ترکیب بند" که از گذشته مضمون رثا را در درون خود پرورده است با شاهکار محتشم کاشانی به اوج خود رسید. و شاعران فراوانی از او تأثیر پذیرفتند و با توجه به اشراف محتشم به مقاتل عاشورایی، تلمیحات و اشارات را با زیبایی ها و جلوه های ادبی در آمیخت به گونه ای که بعد از گذشت چهار سده ترکیب بند او سرلوحه ی دفتر مرثی ادب پارسی است.

واژه های کلیدی: محتشم، مقتل، بازتاب، رثا، ترکیب بند

۱ - دانش آموخته ی دوره ی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران

۲ - استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

## مقدمه

برای پیراستن اندیشه‌ی شیعه از نگرش‌های نادرست و ارائه‌ی روش صحیح تحقیق برآن شدیم تا با شناسایی مقاتل و مآخذ مربوط به واقعه‌ی عاشورا به بررسی منابع اولیه‌ی مربوط به آن بپردازیم و باتوجه به این باور که دسته‌ای از خطاها و انحرافات در خصوص عاشورا از آن جهت است که هنوز پایه و اساس بسیاری از منابع بر عاشورا پژوهان معلوم نیست.

در این مقاله سعی براین است که با معرفی پیشینه‌ی مقتل نگاری در زبان عربی و فارسی و ذکر منابع مورد استفاده‌ی مقتل نگاران، راهی را در پیش محققان این وادی قرار دهیم و تأثیر آنها را در آثار شاعران به ویژه «ترکیب بند مشهور» خداوندگار مرثیه، محتشم کاشانی مورد بررسی قرار دهیم. باتوجه و اقبال شاهان صفوی به سرودن اشعار در مدح و منقبت امامان و دولت شیعی حاکم، این زمینه برای محتشم فراهم شد تا در این عرصه پا گذارد و جاودانه‌ترین سوگ چامه‌ی تاریخ نظم هزار ساله‌ی پارسی را به یادگار گذارد. آمیختگی اندیشه‌ی والای او با زبان و بیانی ساده و در عین حال توانا با داشتن ذوق لطیف که سرشار از احساسات شدید مذهبی بود ارادات و دلباختگی خود را به خاندان پیامبر (علیهم السلام) با سرودن ترکیب بند خود نشان داده است و هنر محتشم در این است که در کمال استواری و جزالت و به دور از تکلف و پیچیدگی چنان به زبان کوچه و بازار نزدیک می‌شود که گویی «سخن از زبانشان می‌گوید» و همین همبازی باعث شده است بعد از گذشت چهار سده هنوز سوگ سروده اش را زیر لب تکرار کنند.

## مقتل و سیر مقتل نگاری

در کتب لغت، معانی مختلفی برای مقتل ذکر کرده اند:

الف) محلّ قتل، جای کشتن، کشتارگاه، قتلگاه

ب) جایی از بدن انسان یا حیوان که هرگاه ضربتی بدان وارد شود، کشته گردد.

مانند شقیقه.

ج) کتابی که درباره ی واقعه ی کربلا تألیف شده است. ج مقاتل (دهخدا، ۱۳۷۷)

البته موضوع بعضی از مقاتل ربطی به حادثه ی عاشورا ندارد و این امر نشان می

دهد که در عرف مقتل نگاری به هر گزارش مکتوبی که حاوی مطالبی پیرامون قتل و

یا شهادت یکی از شخصیت های مطرح در تاریخ اسلام باشد، مقتل می توان گفت. در

کتاب «الذریعه» به چهارده مقتل اشاره شده است که در مورد شهادت امیرالمؤمنین (ع)

نگارش یافته است. (آقا تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۹-۳۱) یا موضوعاتی که مورد توجه نویسنده

بوده است برای نمونه «مقتل اولاد مسلم» از شیخ حسین عصفوری، «مقتل حجر بن

عدی» از ابی مخنّف، «مقتل الحسن بن علی (ع)» از ابی مخنّف، «مقتل رشید و میثم

و جوبریّه بن مسهر» از هشام کلبی و «مقتل زیدالشهید و تواریخه» از محمد علی هبه

الدّین شهرستانی که به زبان عربی اند و «مقتل السادات» از ابی القلم المولوی صغیر

حسن ملقّب به شمس الهندی در دو جزء به زبان اردو (همان: ۳۱-۳۵) و...

و آنچه که در زبان و ادب فارسی از مقتل به ذهن متبادر می شود ارتباط کامل با

وقایع عاشورا دارد.

## پیشینه ی مقتل نگاری در زبان عربی و فارسی:

۱-۱ مقتل ابوالقاسم اصبح بن نباته مجاشعی تمیمی حنظلی:

مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی این صحابه ی امیرالمؤمنین را اولین مقتل نگار یاد

می‌کند و درباره‌ی او می‌نویسد: «أقول و الظاهر أنه أول من كتب مقتل الحسين و كتابه اسبق كتب المقاتل» (همان: ۲۳ و ۲۴)

برخی محققان «ابومخنف لوط بن یحیی ازدی غامدی» را نخستین مقتل نگار می‌دانند که هم عصر امام جعفر صادق بوده است.

بسیاری از محققان، مؤلف «روضات الجنات» روضه الشهداءی ملاحسین واعظ کاشفی (متوفای ۹۱۰ هـ.ق) را اولین مقتل فارسی معرفی کرده‌اند (موسوی خوانساری، ۱۳۴۹: ۲۳۰). ولی بطلان این نظر بر کسی پوشیده نیست. زیرا در طول تاریخ در متون متشور به بررسی وقایع عاشورا پرداخته‌اند و اشاره‌ای گذرا به این آثار داریم:

۲-۲- ترجمه‌ی تاریخ طبری: که در سال ۳۵۶ به امیر صالح منصور بن نوح سامانی، که بر زبان ابی الحسن الفایق الخاصه پیغام فرستاد سوی ابوعلی محمد بن محمد البلعمی الوزیر، که آن را به فارسی دری برگردانید، این کتاب هم در نهایت فصاحت و سادگی است.

۲-۳- ترجمه‌ی «الفتوح» ابن اعثم (م ۳۱۴ هـ): از محمد بن احمد مستوفی هروی، محقق سده‌ی ششم هجری، که از آن به نام‌های: «فتوحات الشام» و «تاریخ فتوح» نیز یاد کرده‌اند (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۱۵۸ و ۱۵۹)

۲-۴- مقتل الشهداء: تألیف شاعری با تخلص «عاصی» به زبان فارسی با تاریخ کتابت ۸۸۷ هـ.ق. مرحوم شیخ آقابرگ تهرانی درباره‌ی این مقتل فارسی می‌نویسد: فیظهر أنه مقدم علی «روضه الشهداء» للکاشفی المتوفی سنه ۹۱۰ هـ.ق (تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۳)

۲-۵- مقتل الشهداء: تألیف (المفاخر رازی) به زبان فارسی که بارها مورد استفاده‌ی ملاحسین واعظ کاشفی قرار گرفته و در روضه الشهداء از آن یاد شده است. مرحوم شیخ آقابرگ تهرانی درباره‌ی این مقتل می‌نویسد: «ینقل عنه فی روضه الشهداء کثیراً





























عمر ادبیات رسمی شیعه همچنان در تصرف او باقی است. (نیر تهرانی، ۱۳۷۳: ۲۴)

فن رثا در عصر صفویان رنگ دیگری داشت، اینان از اعقاب شیخ صفی الدین بودند که در اردبیل صاحب خانقاهی دایر و کشف و کرامتی ظاهر بود و شاه اسماعیل و فرزندانش را در تشریفات رسمی با لقب (مرشد کامل) می خواندند. ایشان که مذهبشان شیعه ی اثنی عشری بود، صلاح دنیای خود را در این می دیدند که در برابر قلمرو گسترده ی عثمانی قد علم کرده و از احساسات مذهبی مردم استفاده کنند و جهت رسیدن به این هدف لازم می دانستند که شعائر مذهب شیعه را رواج دهند تا در برابر دولت مقتدر و سنّی مذهب متعصّب عثمانی عرض وجود نمایند. (رکن، ۱۳۷۱: ۲۶)

در این روزگار محتشم ترکیب بند پرشور خود را سرود و پس از آن محتشم سروده های پراکنده را رها کرد و اوقات خود را وقف ویراستاری این ترکیب بند نمود. رمز موفقیت این ترکیب بند محتشم در سه عامل بوده است:

الف) جنبه ی هنری: از نظر صنعت شعری و ادبی، الفاظ این ترکیب بند استوار، فخیم، منسجم و در کمال رسایی و شیوایی است و سخافت لفظ و پیچیدگی سبک هنری را ندارد و همانند آب زلال و گوارایی است که در جام بلورین و شفاف تقدیم به تشنه ای می شود.

کشتی شکست خورده ی طوفان کربلا در خاک و خون فتاده به میدان کربلا  
 گرچشم روزگار براو فاش می گریست خون می گذشت از سر ایوان کربلا

ب) تجسم عینی عظمت حادثه آنگونه که درخور این واقعه ی خونبار است. و شورش را به تمام خلق جهان نسبت داده است و این عزاداران را در میان موجوداتی برده که از چشم بشر غایبند.





از شعرا تبّع آن نتوانستند کرد، رجحان تمام دارد.» (همان)  
 ۷- یان ریپکا: اگرچه شعر او بیانگر تعصّب شیعی است، اما شاعر آن شیعی متعصب نیست. محتشم که بازرگانی ابریشم پیشه است در شاعری بارها کامیاب تر بوده است. و در بازی های لفظی شعر عصر صفویه محتشم پیشرو است. (ریپکا، ۱۳۷۰: ۴۳۱)

### زیباشناسی ترکیب بند محتشم

در اینجا به جلوه های زیبایی شناسی و استفاده از آرایه های لفظی و معنوی موجود در این ترکیب بند به تلخیص می پردازیم. که به ترتیب اولویت و فراوانی استفاده از آن به تلمیح، تشبیه، استعاره، واج آرای، تشخیص، اغراق، کنایه، ارسال المثل، و... اشاره شده است. (قریشی زاده، ۱۳۷۱: ۱۰-۱۲)

### براعت استهلال

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است  
 باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است  
 آیه‌ی شریفه‌ی: *يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا* (سوره ی نبأ: ۱۸)  
 آیه‌ی شریفه‌ی: *نَفَخَ فِي الصُّورِ ذَلِكِ يَوْمَ الْوَعِيدِ* (سوره ی ق: ۲۰)  
 کشتی شکست خورده ز طوفان کربلا در خاک و خون فتاده به میدان کربلا  
 حدیث شریف نبوی: ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة.  
 از آب هم مضایقه کردند کوفیان خوش داشتند حرمت مهمان کربلا  
 اشاره به بی وفایی مردم کوفه با امام (ع) و ضرب المثل (الکوفی لایوفی)  
 (دهخدا، ۱۳۷۰: ۲۶۹)





## کتاب‌نامه

- ۱- قرآن کریم (۱۳۷۸)، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، زبان نویسی، تهران.
- ۲- آقا تهرانی، مرتضی، (۱۳۸۷)، "یاران شیدای حسین بن علی (ع)"، قم؛ نشر باقیات.
- ۳- ابن کربلایی، ۱۳۴۹ "روضات الجنّات و جنات الجنان"، به تصحیح جعفر سلطان القرائی نشر، کتاب، ج ۲.
- ۴- انسانی، علی (۱۳۸۲)، "چراغ صاعقه"، نشر جمهوری، تهران، چاپ سوم.
- ۵- برقی، محمداقبر (۱۳۷۳)، "سخنوران نامی معاصر ایران"، قم، نشر خرّم.
- ۶- برنجیان، جلال، (۱۳۶۷)، "حماسه ی عاشورا به بیان حضرت مهدی (عج)"، انتشارات طور.
- ۷- تهرانی، آقابزرگ، (۱۴۰۳ قمری)، "الذریعه الی تصانیف الشیعه"، بیروت، دارالاضواء، ج ۲۲، چاپ سوم.
- ۸- حرّعاملی، شیخ محمدبن الحسن، (۳۹۷ قمری)، "وسائل الشیعه"، مکتبه السلامیه، تهران.
- ۹- حسینی، سیدعبدالله، (۱۳۸۶)، "معرفی و نقد منابع عاشورا"، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۱۰- خاقانی، افضل الدین بدیل بن علی، (۱۳۵۸)، "دیوان اشعار خاقانی" به کوشش دکتر ضیاءالدین سجادی، زوّار، تهران، چاپ سوم.
- ۱۱- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۰)، "امثال و حکم"، امیرکبیر، تهران، ج ۱، چاپ هفتم.
- ۱۲- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، "لغت نامه"، دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم.
- ۱۳- راوندی، محمد، (۱۳۶۴)، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ۱۴- رکن، محمود، (۱۳۷۱)، "مقاله ی محتشم و فنّ رثاء"، مجله ی ادبستان، تهران، شماره ی ۳۲، صص ۲۴-۲۶.





